

مدیر مسئول: یوسف قوچانی غروی

دبیر ضمیمه: محمد غمخوار

تحریریه: لیلا حسین زاده، هلیا نصرتی، مجید غمخوار،

معصومه ملکی، سیمافراهانی، امیر علی حقیقت طلب

و آدرینا ایرامنش

مدیر فنی: زرناز حسینی

صفحه آرایی: علی طالبی

جلد: سپهر سهامی فرد

ویراستار: مهدی یکهدسادات

رسانه های نو: رضا آرین

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴

JAMEJAM.NEWS

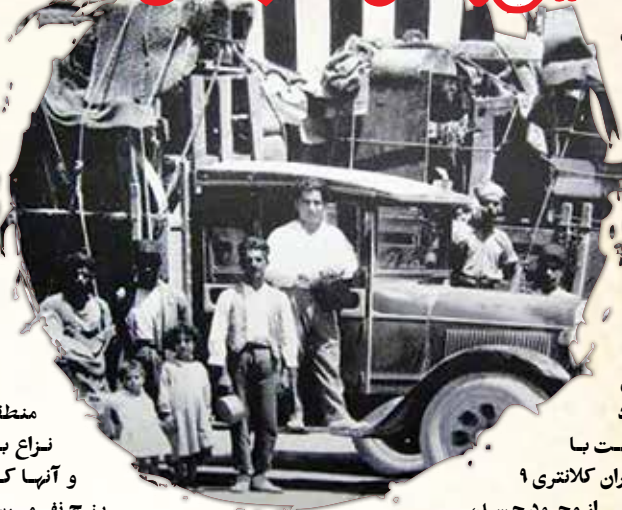
کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳

info@jamejamdaily.ir

شناسنامه

در این بخش حوادث قدیمی را دوباره بازخوانی می کنیم؛ حوادثی بسیار قدیمی که فقط برخی افراد سن و سال دار آن را به یاد دارند و بازخوانی آن با همان ادبیات، نثر و تکرار قدیمی، برای ما و نسل قدیم بسیار جذاب و یادآور خاطرات آن زمان خواهد بود. در این شماره، اخبار جنایی ای که سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ در روزنامه های کیهان و اطلاعات منتشر شده را با منبع دیده بان تاریخ مرور می کنیم:

## «ماشین پا» را با چاقو کشتند



عکس تزئینی است

جسد یک «ماشین پا» به نام حسین صبح امروز در محوطه پستخانه (روبه خیابان سپه) کشف شد. کنار جسد که ۴۰ تا ۴۵ سال دارد یک بطری مشروب الکلی نیز پیدا شد. گفته شد دلیل مرگ، ضربه های چاقو به شاهرگ اوست. قاتل یا قاتلین پس از کشتن وی، جسد را برای مخفی نگه داشتن از دید عابرین به پشت دیوار محوطه سبز پستخانه انداخته بودند. کشف جسد به دلیل خون زیادی که در محوطه ریخته شده بود صورت گرفت و یکی از کارمندان پست با دیدن خون پی به جسد برد و مأموران کلانتری ۹ را آگاه کرد. مأمورین پلیس با آگاهی از وجود جسد، تحقیقات خود را آغاز نمودند و جوان ۲۰ ساله ای به نام اکبر

را که از محل حادثه دور می شد دستگیر کردند. اکبر در اظهارات اولیه به مأموران گفت: دیشب اوایل شب بود که طبق معمول آمدم تا در این محوطه بخوابم. فقط جوانی را دیدم که لباس سیاه به تن داشت. او یک لگد به حسین (مقتول) زد و از آنجا رفت. اکبر تا روشن شدن حقیقت ماجرا، بازداشت شد. گفته شد، ماجرای قتل حسین که سال ها در این منطقه ماشین پا بوده به دنبال یک نزاع با همکاران ماشین پایش روی داده و آنها که تعدادشان احتمالا به چهار یا پنج نفر می رسیده حسین را با ضربه های چاقو به قتل رسانده اند.

با توجه به پرسش های ارسالی خوانندگان تیش در خصوص موضوعات حقوقی، **مریم جنت آبادی، کارشناس ارشد حقوق خصوصی** به سوالات شما پاسخ داده است. مخاطبان می توانند پرسش های حقوقی خود را با ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۰۱۱۱۲۷ مطرح کنند و پاسخ را در همین ستون بخوانند.

«**خرید ملک مشاعی** دو نفر در ملکی شریک هستند، من می خواهم سهم یکی از آنها را بخرم اما می ترسم با شریکش دچار مشکل شوم. این معامله را فراموش کنم؟»

درخصوص این معامله بهترین کار این است که قرارداد صلح تنظیم کنید نه بیع. چون اگر با یکی از شرکا بیع منعقد کنید، ممکن است شریکی دیگر حق شفعه خود را اعمال کند و ملک را از شما پس بگیرد اما اگر تحت عنوان صلح معامله کنید چنین حقی نخواهد داشت.

«**بازداشت موقت** چه تفاوتی بین بازداشت موقت و زندان وجود دارد؟»

بازداشت موقت قبل از صدور حکم قطعی و برای جلوگیری از فرار یا تبانی متهم اعمال می شود، درحالی که زندان مجازاتی است که پس از صدور حکم قطعی اجرا می شود.

«**منع تعقیب** در پرونده ای برای من قرار منع تعقیب صادر شده، منظور از این قرار چیست؟ حق اعتراض هم دارد؟»

قرار منع تعقیب تصمیمی است که دادسرا در صورت عدم کفایت دلایل یا عدم وقوع جرم صادر می کند و پرونده را مختومه اعلام می کند. با توجه به این که قرار به نفع شماست، قاعدتا باید طرف مقابل تان به قرار اعتراض کند.

## پیرزن کرو لال

### هفت روز زیر آوار زنده ماند

شهرکرد - خبرنگار اطلاعات: ساعت ۴ و ۲۰ بامداد دیروز زلزله نسبتا شدیدی روستای «ناغان» را بار دیگر لرزاند. این زلزله در همین ساعت در روستاهای «رستم آباد» و «عالی کوه» اردل نیز تکرار شد و در رستم آباد تعدادی خانه را ویران کرد. در جریان زلزله رستم آباد، دو تن از اهالی این روستا مجروح شدند و به اصفهان انتقال یافتند. دیروز در روستای زلزله زده ناغان، پیرزن ۷۴ ساله ای که از اولین ساعات زلزله چهارشنبه هفته پیش در زیر آوار مانده بود پس از یک هفته زنده از زیر آوار بیرون کشیده شد. این پیرزن که کرو لال می باشد به خاطر جراحاتی که برداشته برای معالجه به اصفهان انتقال یافته است.

روزنامه اطلاعات - اردیبهشت ۱۳۵۶

## به تقلید از «بازیگری» چشم دوستش را کور کرد

کارگر جوانی که ساعتی دیرتر از وقت معمول سر کار خود حاضر شده و با اعتراض دوستش مواجه شده بود به تقلید از «بازیگری» تلویزیون، با فرو بردن انگشت، چشم راست دوست و همکار خود را از حدقه بیرون کشید!

خبرنگار ما در شیراز پیرامون این حادثه می نویسد:

امامقلی جوانی که با اعتراض خود یک چشمش را از دست داده هم اکنون در بیمارستان بستری است.

وی طی شکایتی که تسلیم دادسرای شیراز کرده ماجرای کور شدن یک چشم خود را برای مقامات قضایی به این ترتیب شرح داده است: رمضان از مدت ها پیش در «قوام آباد بیضاء» در کارهای ساختمانی با من همکاری می کرد. او هیچ وقت آدم سربلند و مرتبی نبود. آخرین باری که به مناسبت تأخیر حضورش به سر کار به وی اعتراض کردم ادای بازیگری را در آورد و به تندی یکی از انگشتان خود را که ناخن بلندی هم داشت در چشم راست من فرو برد.

در یک لحظه دنیا در مقابلم تیره و نار شد. وقتی به بیمارستان منتقل شدم، پزشکان ناچار باقی مانده چشم راستم را از حدقه بیرون کشیدند.

رمضان به اتهام کور کردن دوست و همکار خود، دستگیر شده و پرونده این حادثه هم اکنون در بازپرسی شعبه اول دادسرای شیراز تحت رسیدگی است.



انفجار و آتش سوزی گسترده در بندر شهید رجایی در هرمزگان شروعی تلخ را برای اردیبهشت امسال رقم زد. حادثه ای که ده ها کشته و بیش از هزار مصدوم برجای گذاشت.